



مترجم: Twilight & Powker



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

Hell
Robin

کلیئر:

تایپیست:



شاید اشتباه
می کردم

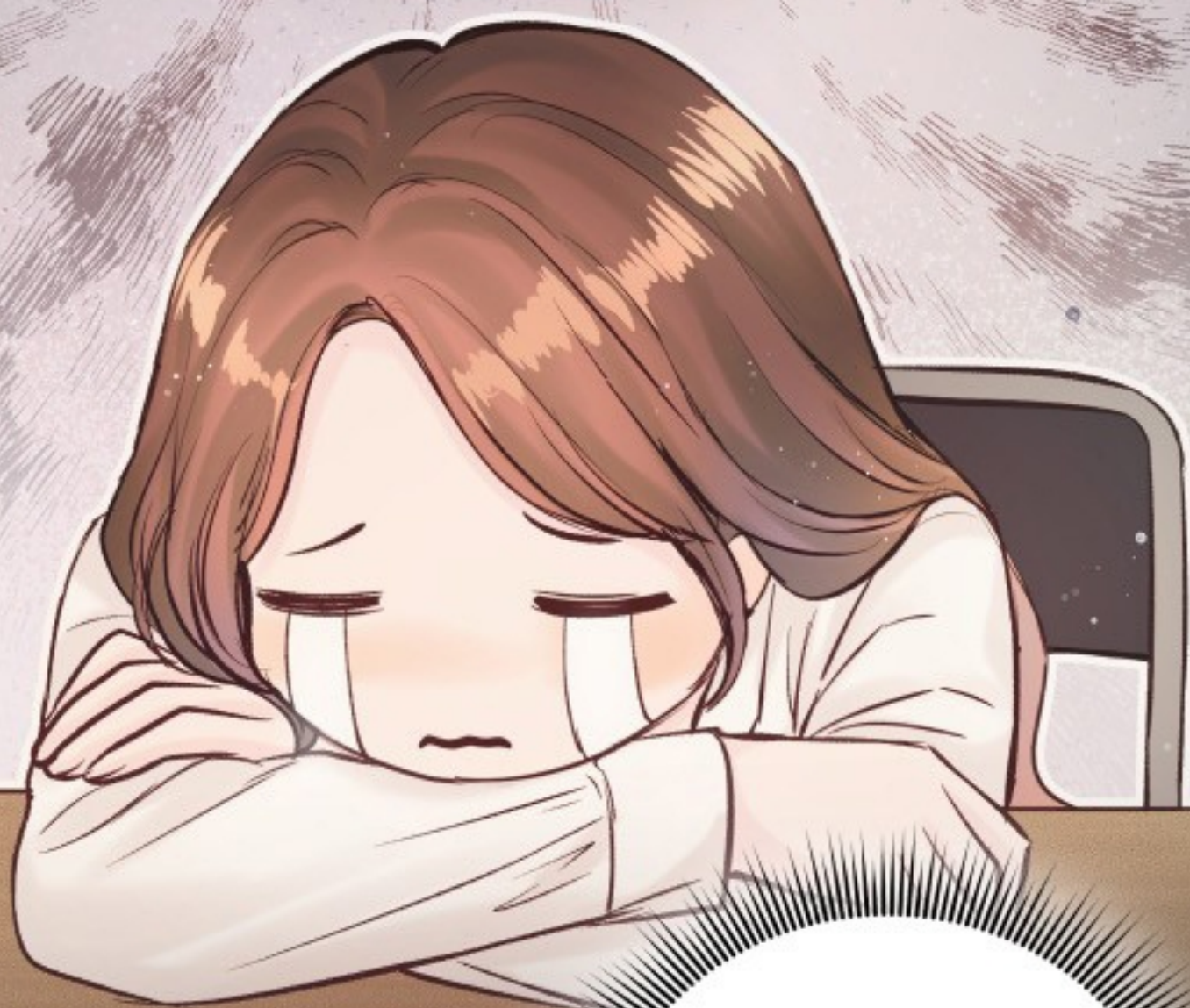
هان *

آ
آ
آ





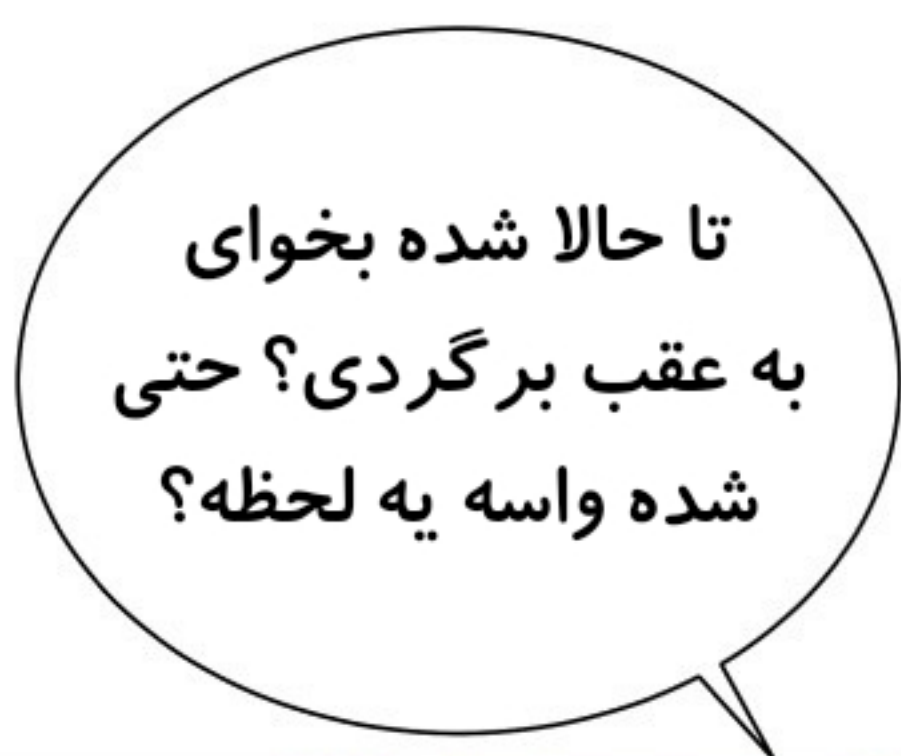
××



وقتی میرفت،
خیلی ترسناک بود!

امروز
خبری شده؟

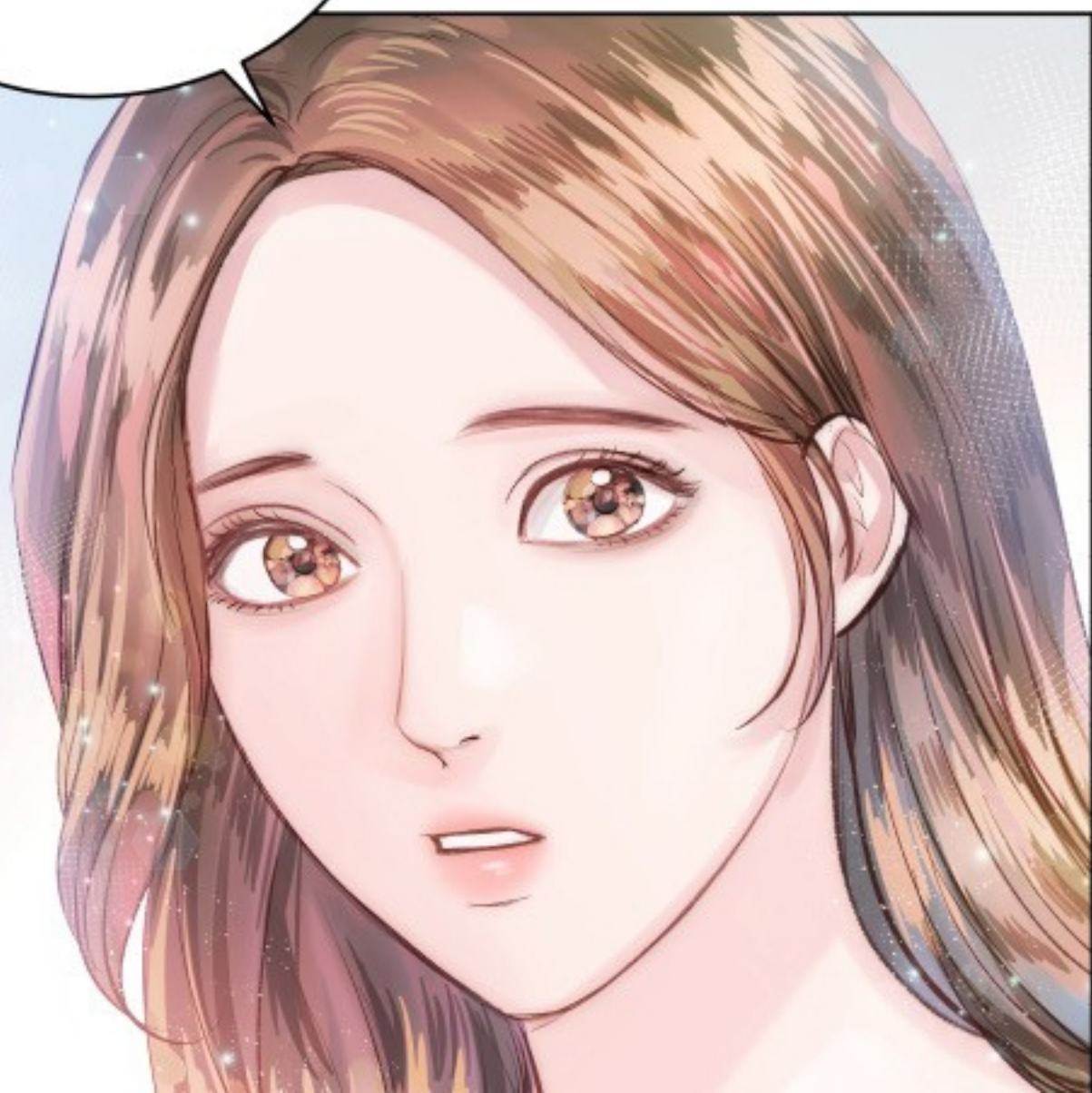






معلومه كه
خواستم

خب اگه همچين
شانسي داشته باشي





میری بگی کہ
تو از آینده اومدی؟

بستگی داره، اگه اون
شخص آدم قابل اعتمادی
باشه، اره بهش میگم



ولی طرف
باور می کنه یا نه ؟

درستہ



DEPARTMENT STORE



ہیچکس قرار
نیس ہمچین چینی
رو پاور کنہ

همینه. آقا فکر
می کنه من زده به سرم



هیچ راه دیگه ای
وجود نداره

من ازت

مراقبت می کنم.

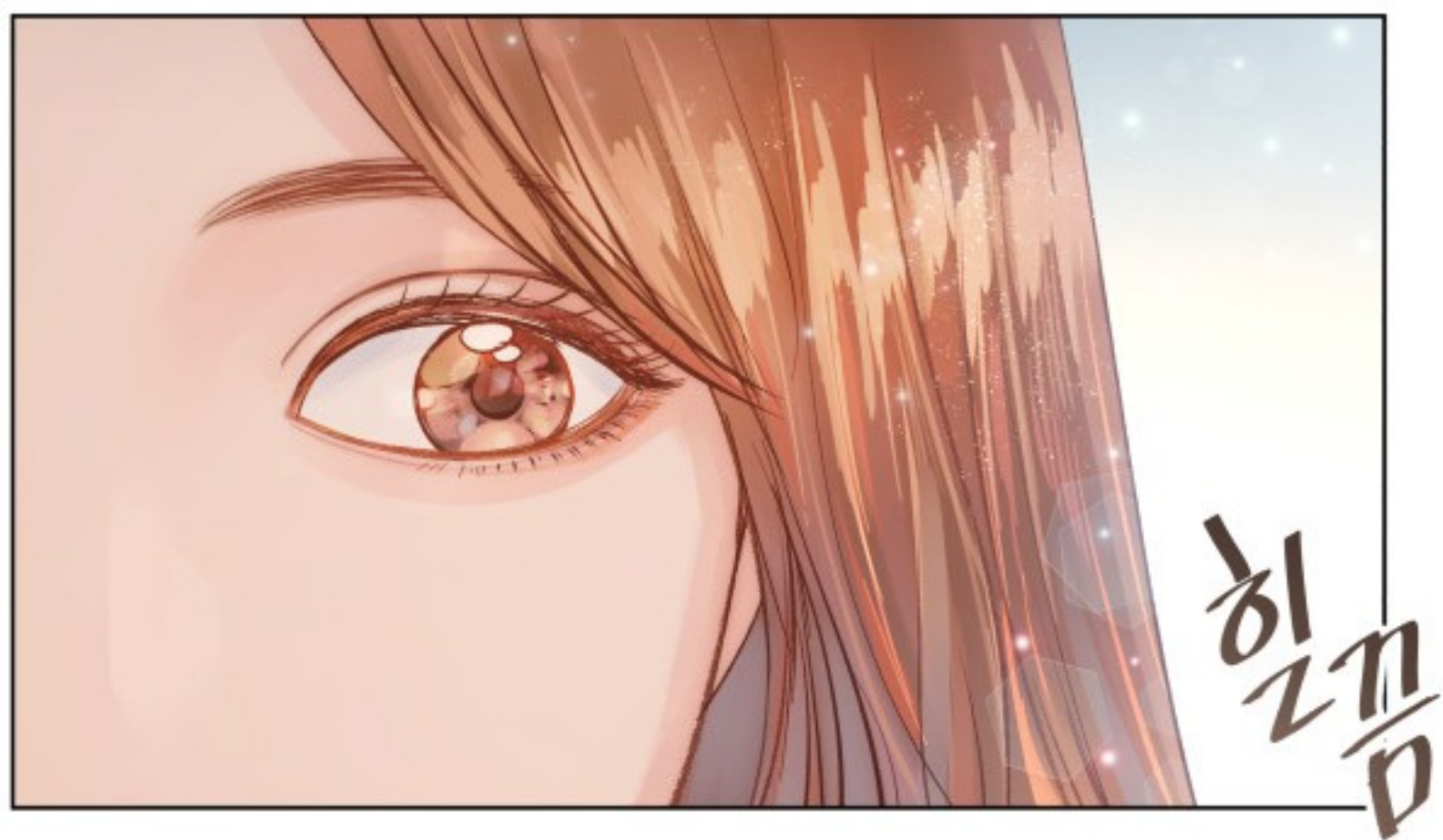
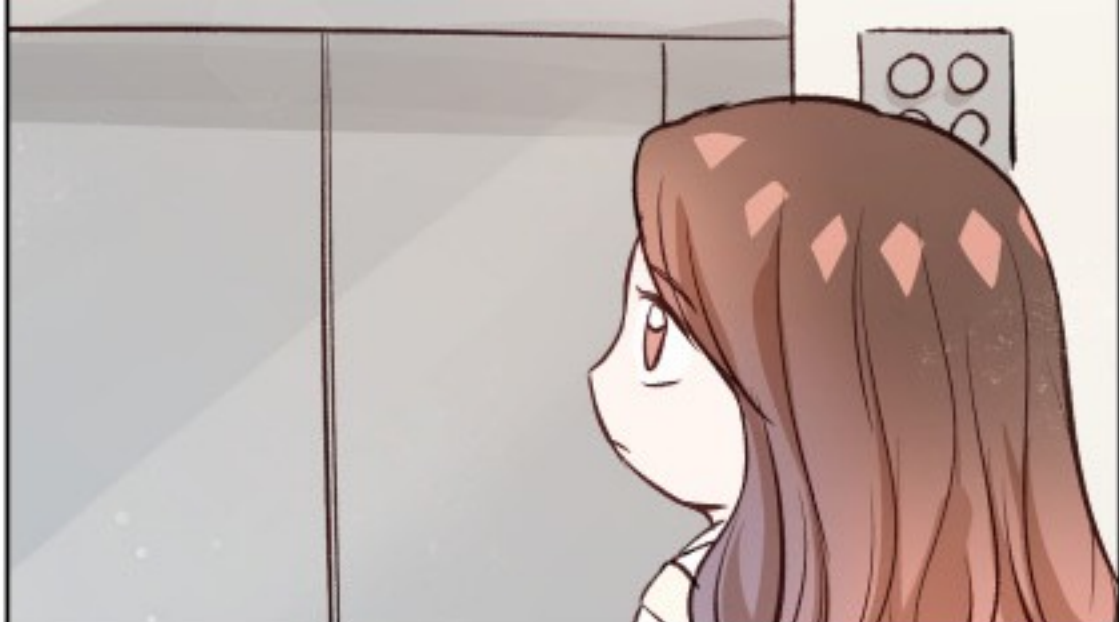


من بازم به درخواست
کردن چیزهای بی معنی
ادامه میدم



باید بخاطر
امروز صبحم از شما
معذرت بخوام

▲ 10



بہ ہیچ قیمتی
حلقہ رو پس نمیدم

تو میتوئی
لی یون وو

شجاع باش
لی یون وو

ولی
اولن ترسناکه!



اوه



آه، خوش اومدی.
لطفا بیا تو



반드시 해피엔딩



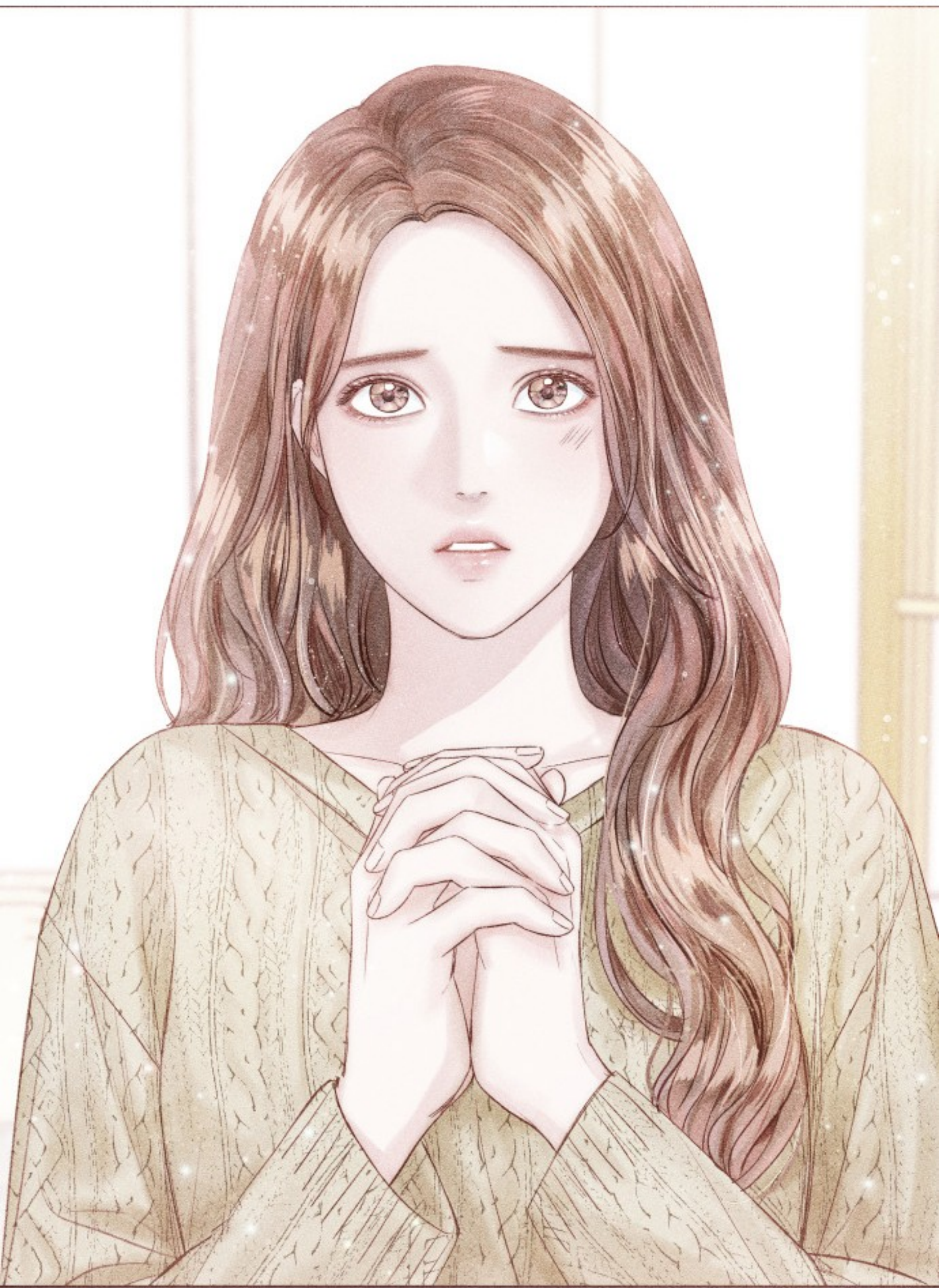
각색 불사 그림 재림
원작 플아다







لی یون وو.
واسه چپی اینچوری
سیدی؟



پرسیم کنه



و حلقه که
دیگه ما رو بهم
مرتبط نمی کنه

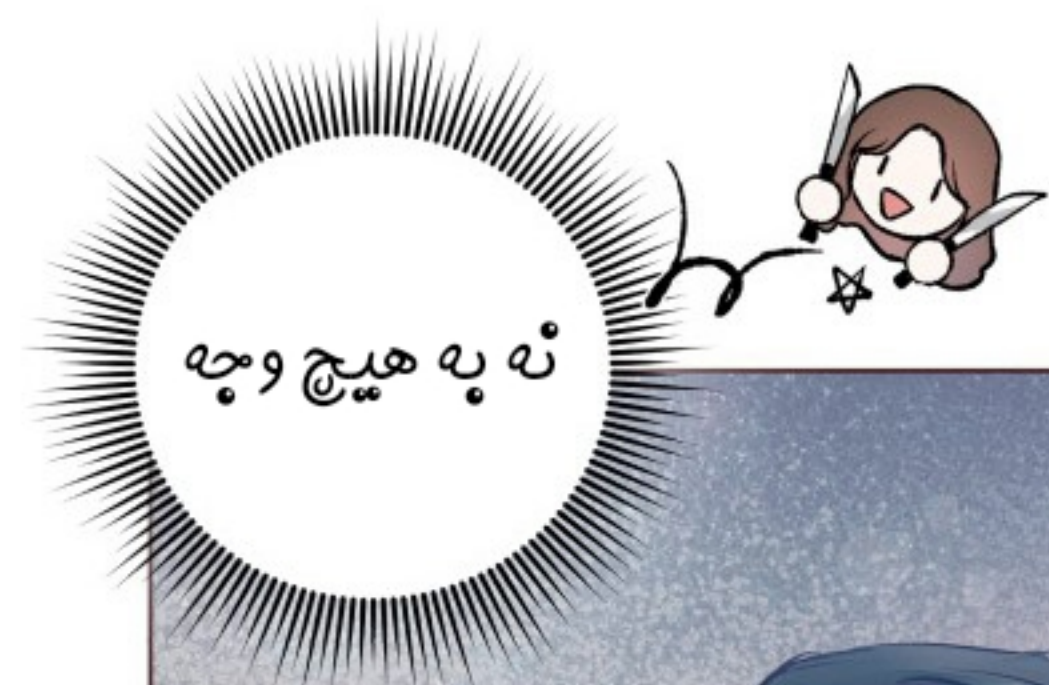


جرعه زدن *





اون
بخواند منو بكشه؟

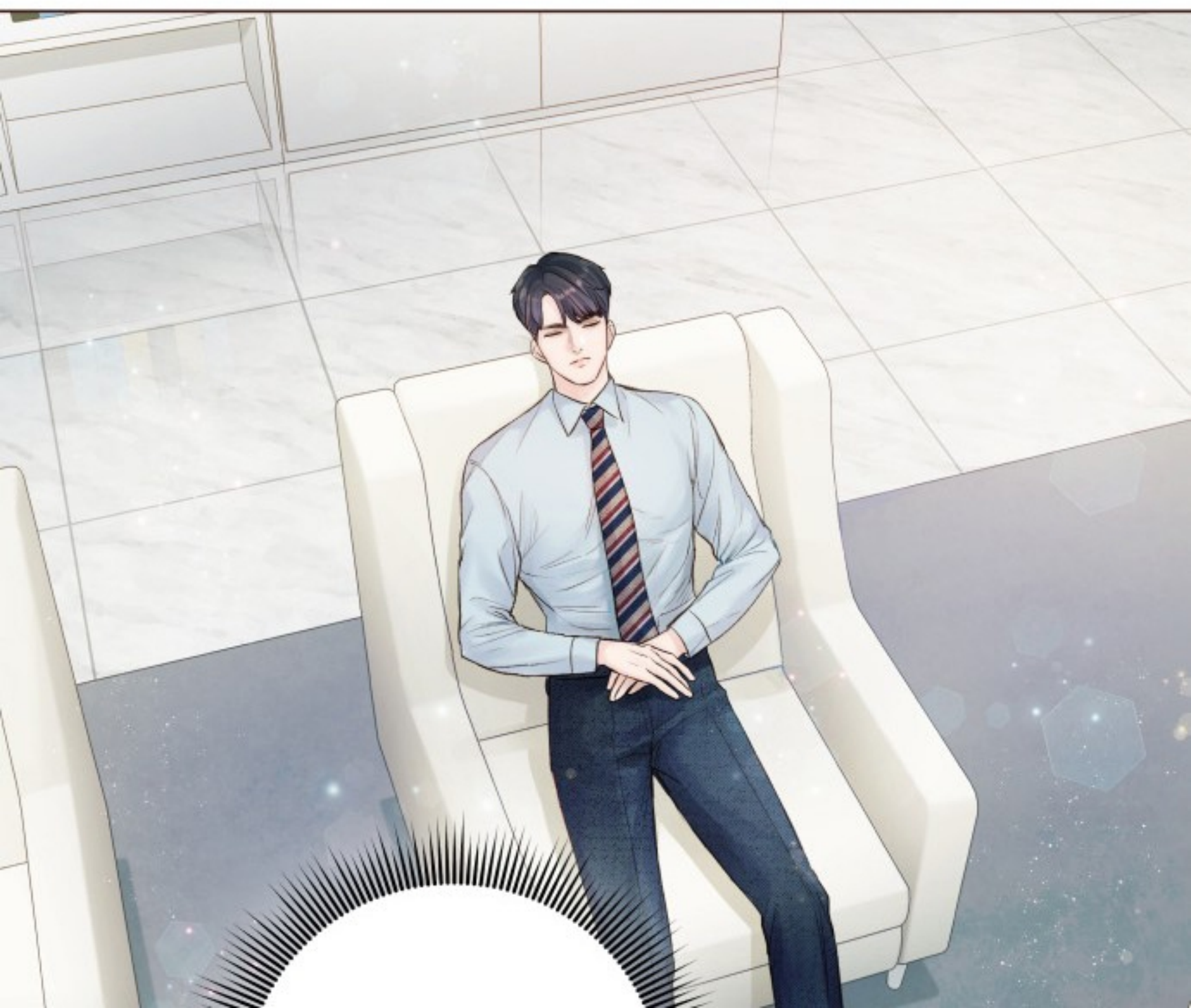


نه به هيچ وجه





لی یون وو
همچین آدم بدی
نیست



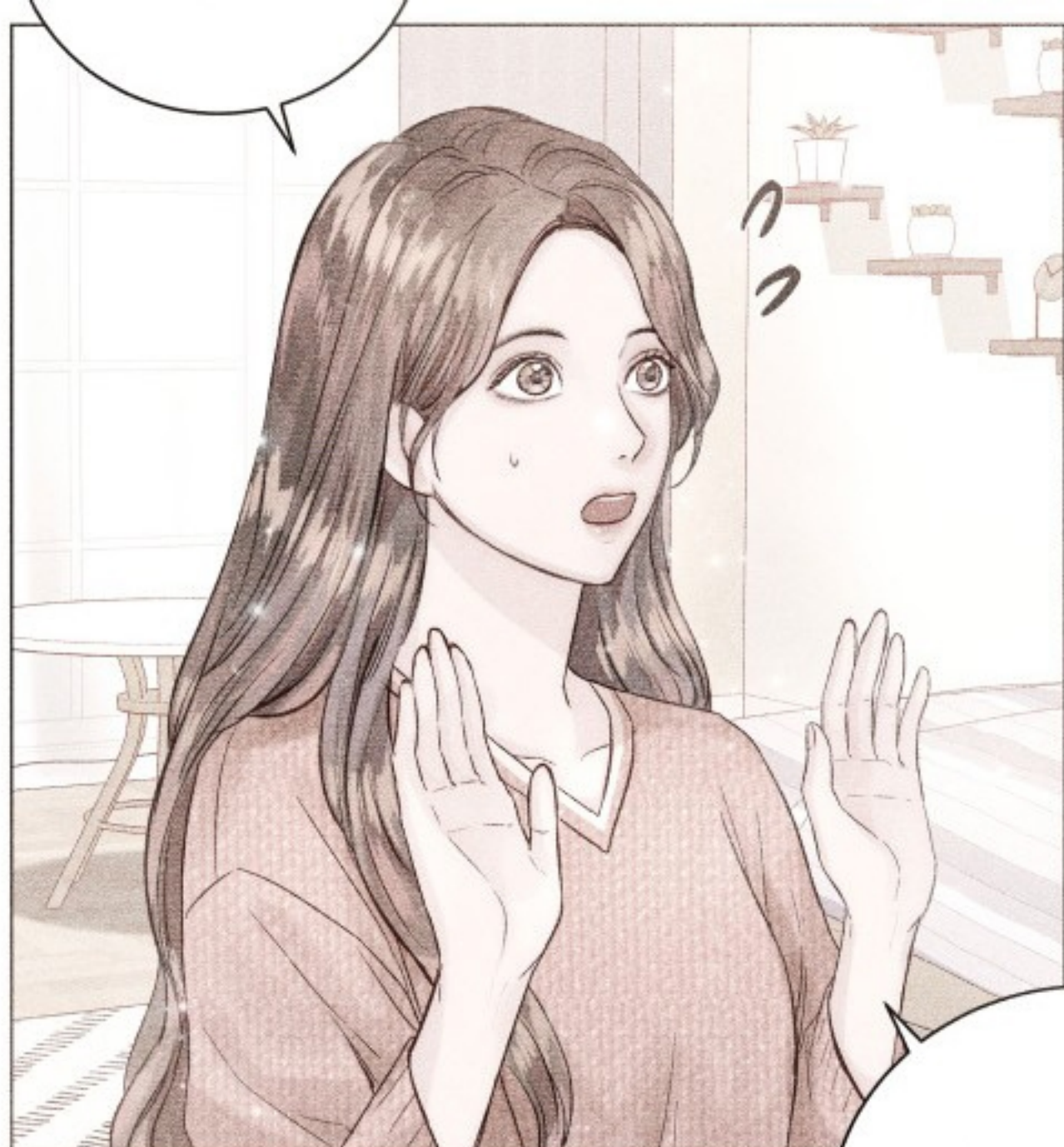
ولی پازم
واسه ی مچی ...؟



شاید...

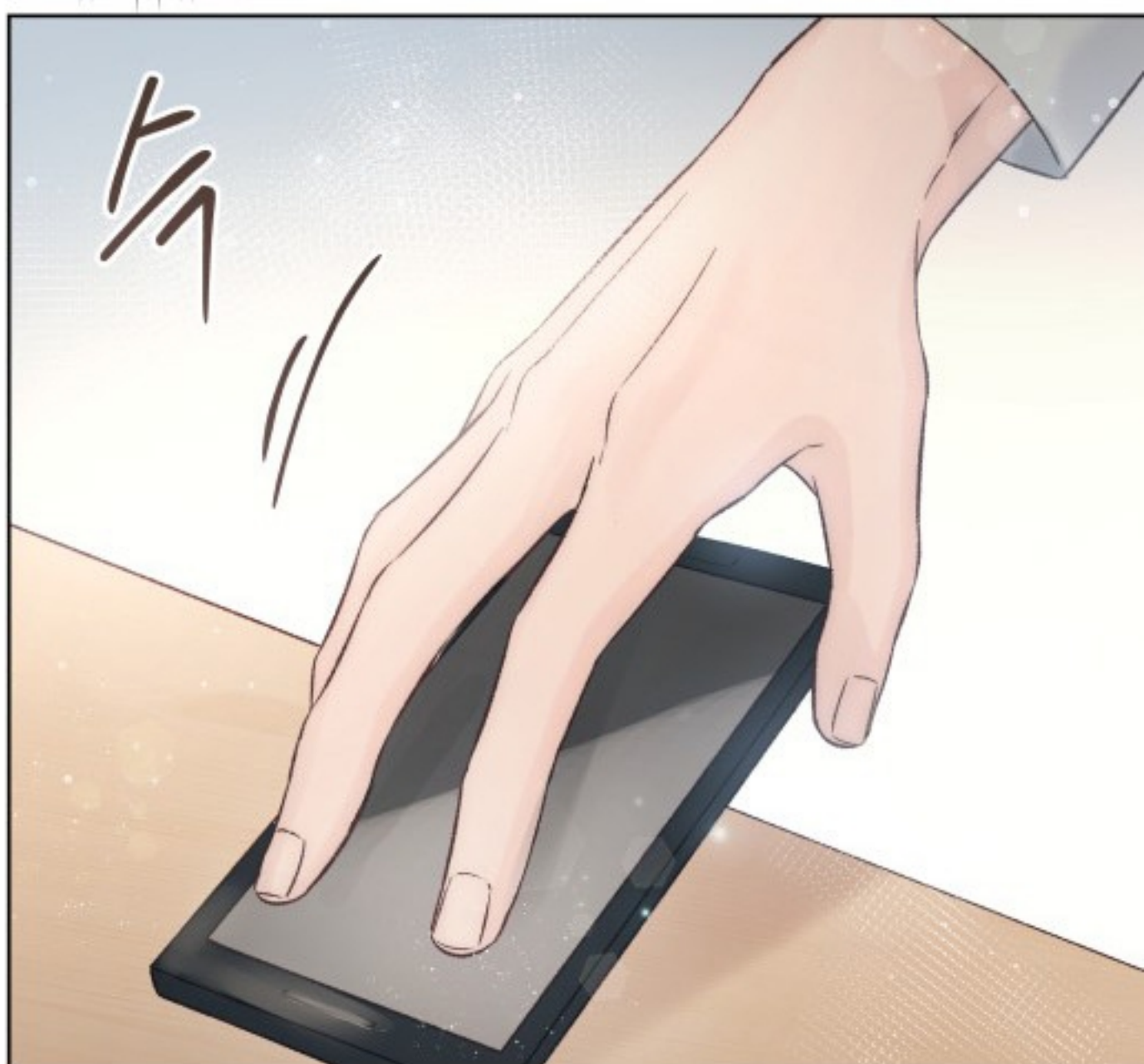
همونه که مردم میگن،
اگه کسی یهوپی شروع
کرد به تغییر کردن، یعنی
می خواد پذاره پره

نه ، خوبم

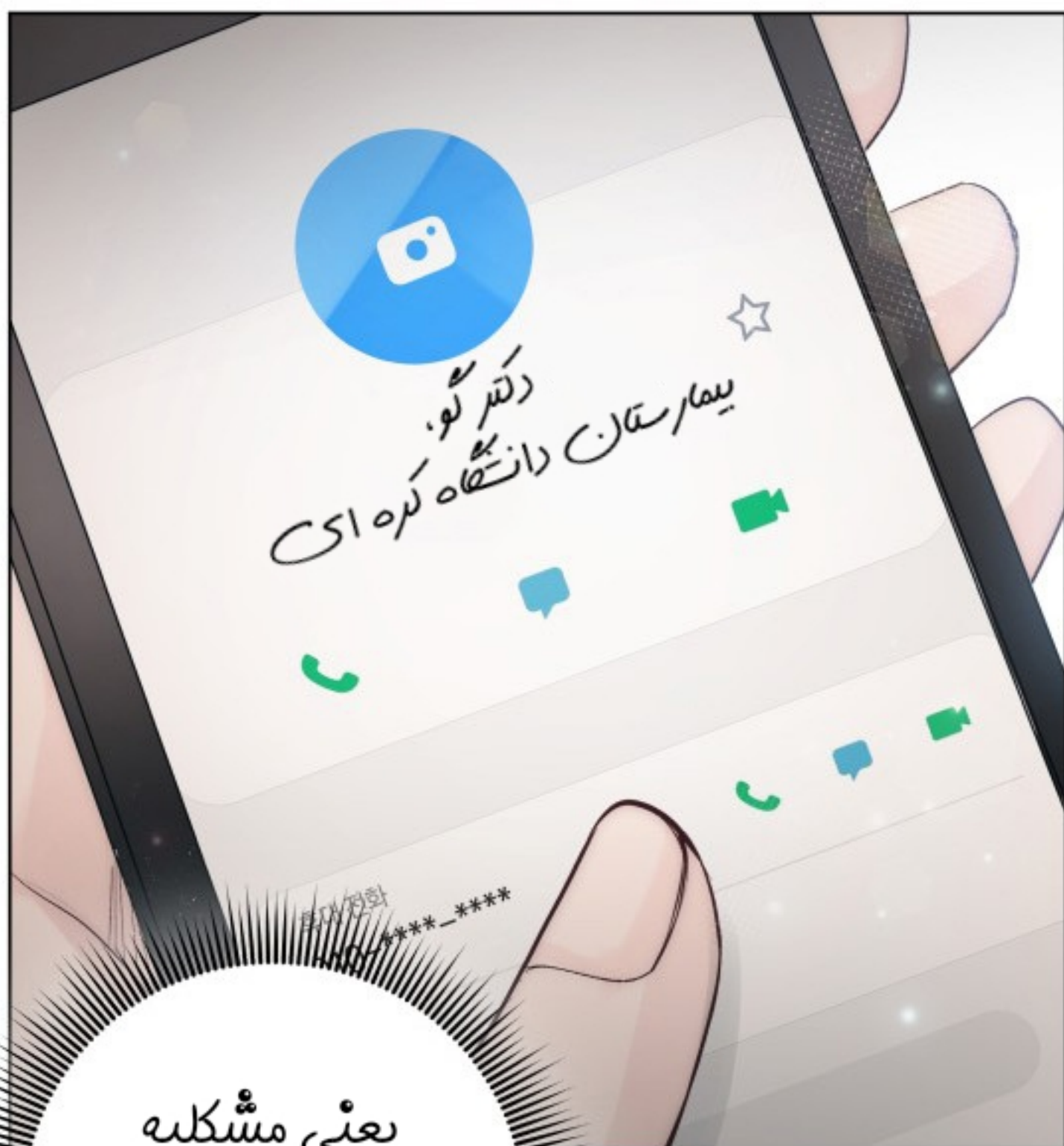


نیازی نیست
برم بیمارستان

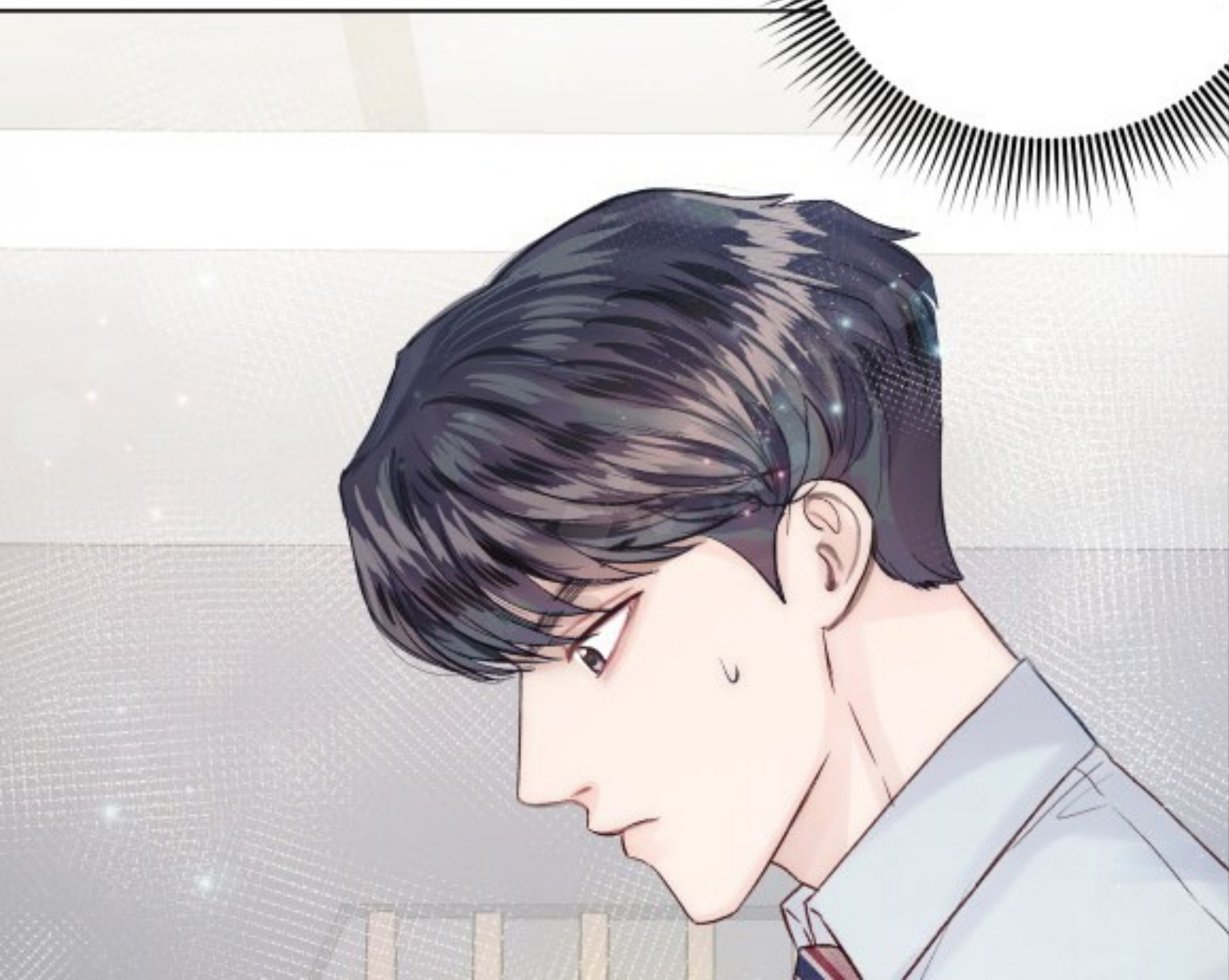
من مرتباً از
بیمارستان حرف زدم



یعنی مشکلی
برای سلامتی‌اش به
وجود آمده؟



یعنی مشکلیه
که به راحتی درمان
نمیشه؟





اینجوری
فایده ای نداره

باید مستقیماً
از خودش پرسیم



ㄱ







سلام پسر،
مدس بزن کی دیروز
بهم زنگ زد؟



کی بوده؟

عروسم

یون وو گفت
میاد بهم سر بزنه



واسه چپی داره
پازم از این کارهای
پی معنی میکنه



یعنی زیادی بهش
سخت میگیرم؟





هوی،
فکر کردی مامانت
کیه؟

شاید دختره به
تو هم زنگ زد

می دونی چند وقته
صدات رو نشنیده؟

واسه چی
اینقدر خودتو از من
دور می کنی؟

هنوزم باهاش
خوب برخورد می کنی
یا نه؟





حالا که بهش فکر
می کنم، چرا یون وو
یهو زنگ زد بهم؟
عجیبه.

اتفاقی براتون
افتاده؟ مشکلی پیش
اومده؟



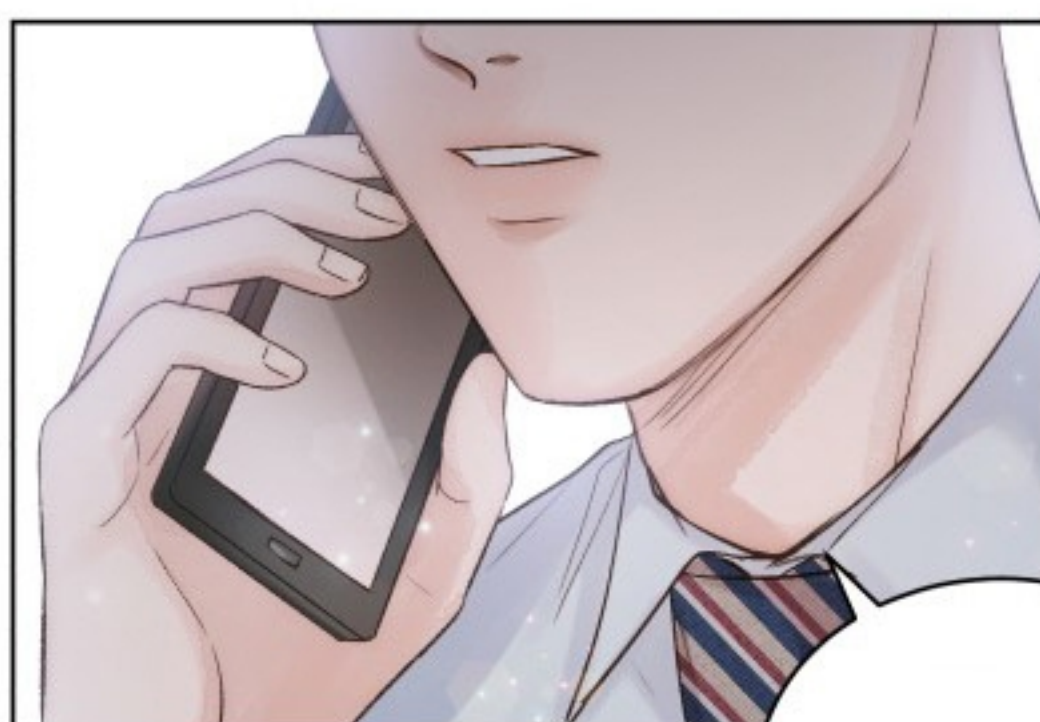
لطفاً برید داخل،
خانم.



لی یون وو
اومده اینچا؟

مدیر عامل داخلن.





آه... مامان.

من يه
مهمون دارم .



بعداً بهت
زنگ می زنم .

اوه، باشه.
به کارت برس.



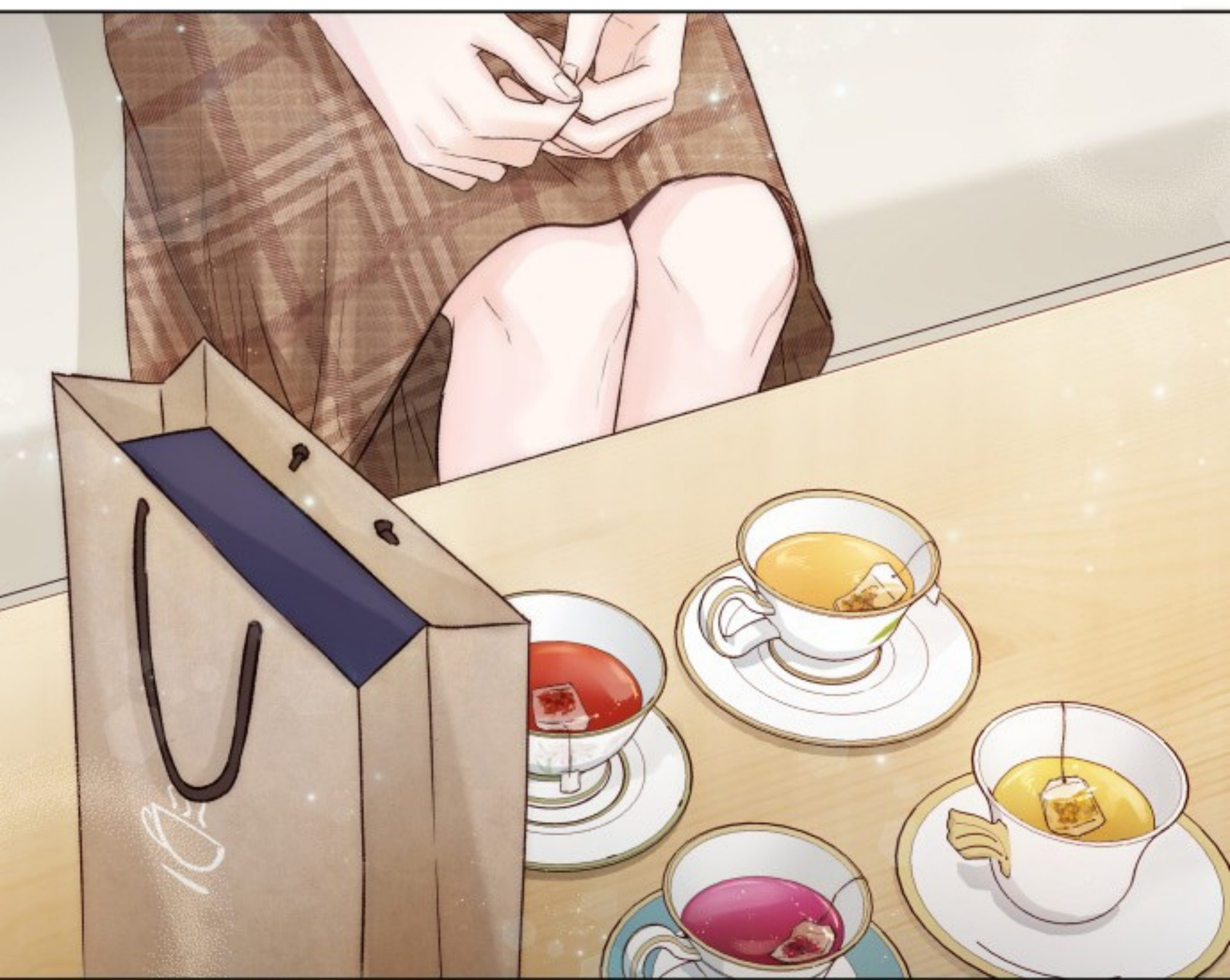


این دفعه دیگه
واضح ارزش می پرسم
چرا اونجوری رفتار کرد.

ای



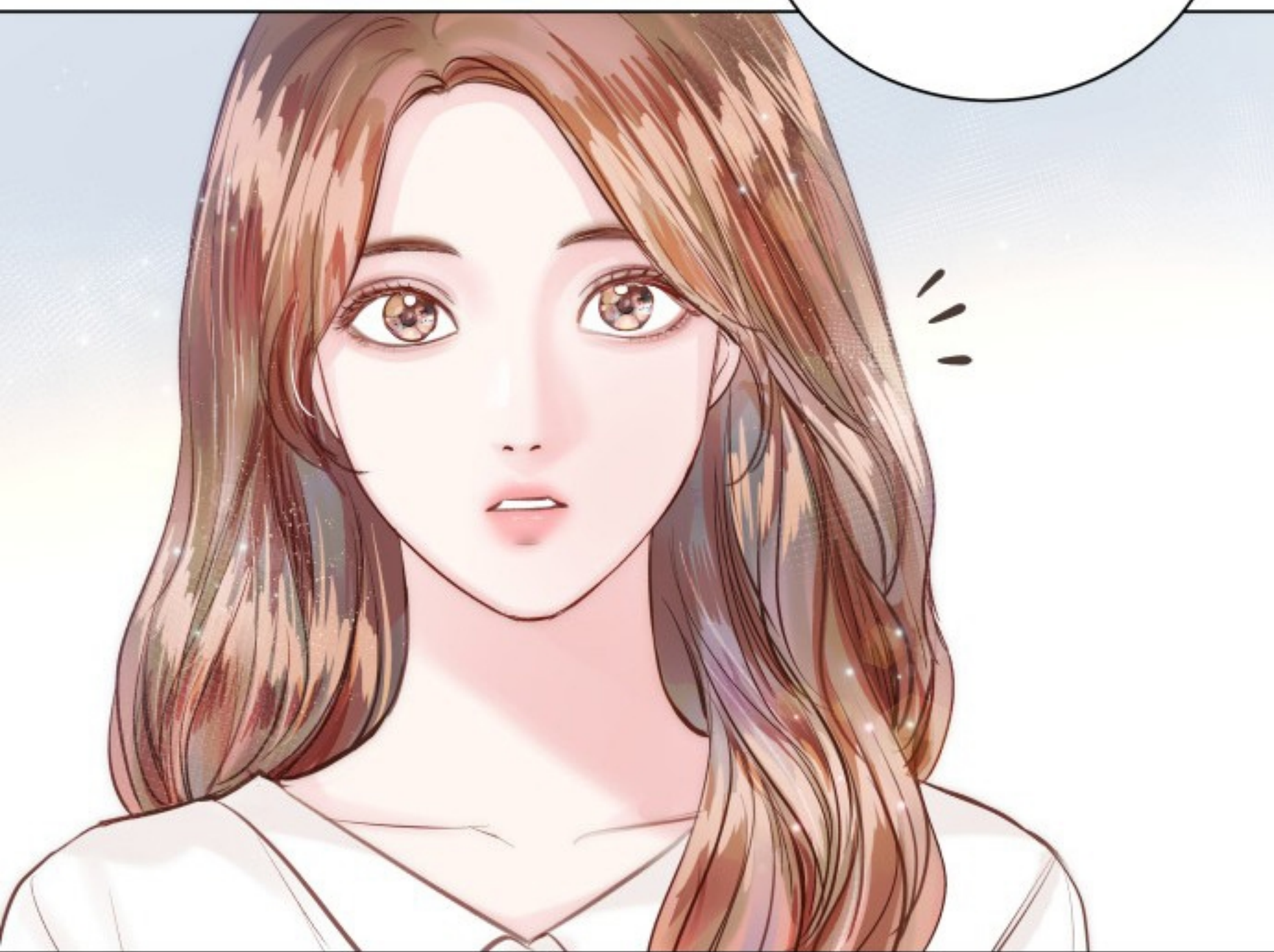




چرا چینی
نمی گه؟



من معمولاً
دفتر نیستم .

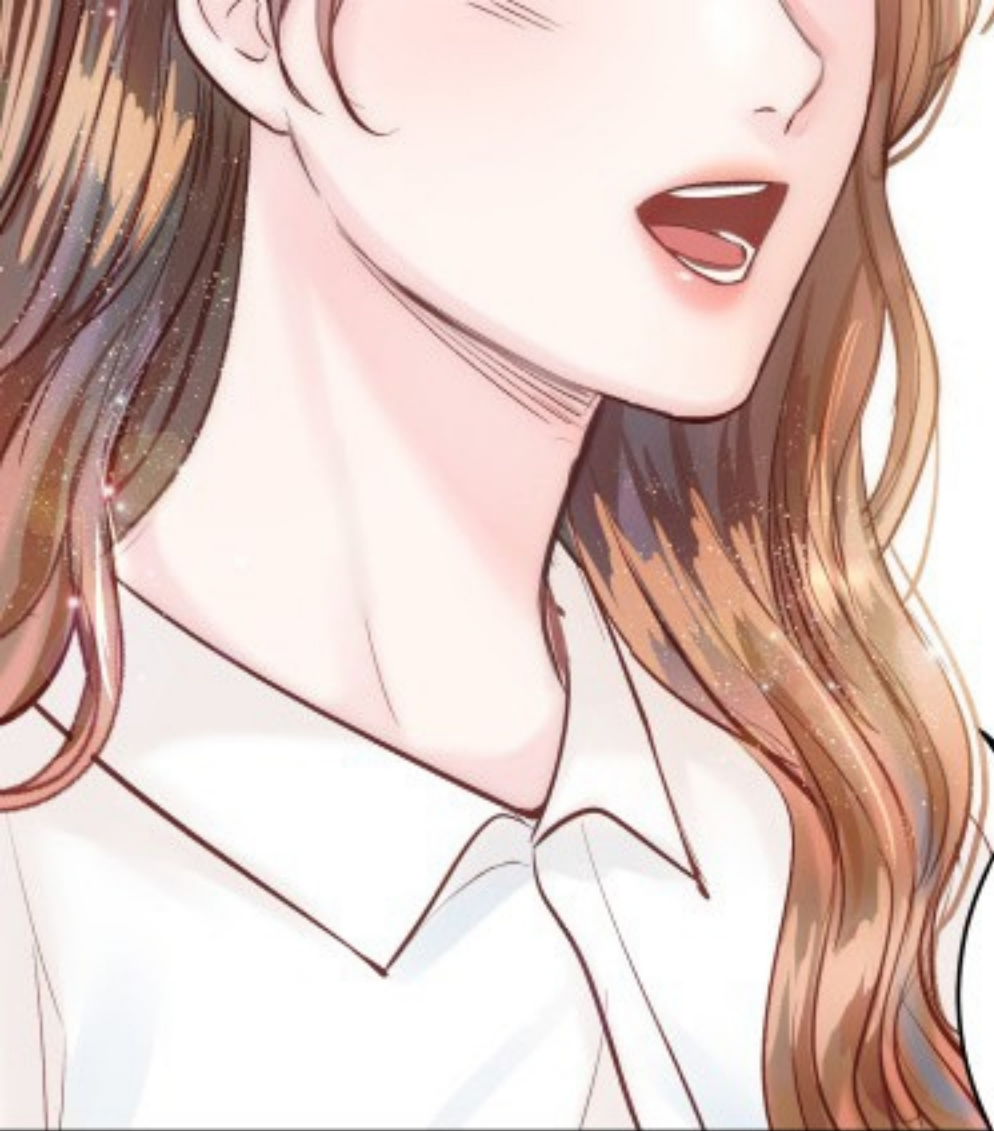


اگه از قبل برنامه
ریزی نکنی، ممکنه
نتونی ببینیم.



...!





اوکی،
دفعه بعد باهات
هماهنگ میکنم.

به هر حال،

می خوای یه
فنجون چای
بخوری؟



یه عالمه آوردم
با خودم .

این رویبوس
بدون کافئینه .



این گندم
سیاه برای سلامتی
خوبه .



این دیزی هم
استرس رو میشوره
می بره .





و اینم برای
سلامت روانیتون
خوبه.



پوکنز: چرا داره شیه چای دوشن من شه: ///
راین: همون ریگه، فقط شیر چایش کمه =_=
=



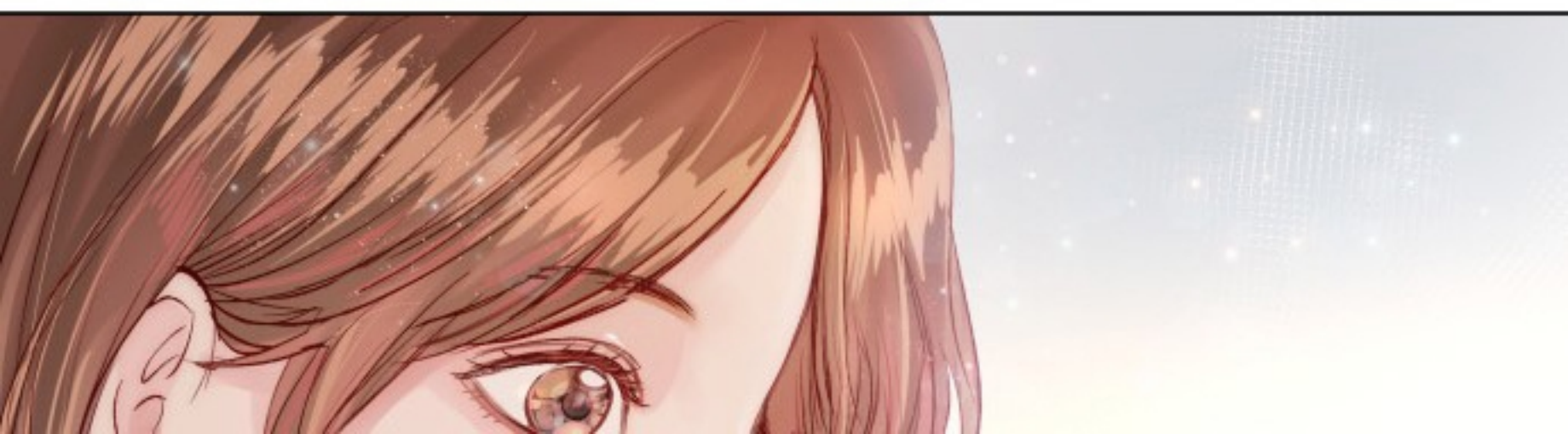




اگه بخوام
صادق باشم ،



اینا برای تو
خوبن.





درواقع خودم باید ته
توی قضیه رو در می آوردم
ولی می خواستم از زبون
خودت بشنومش .

?

چی؟

خوبی؟
فقط بهم بگو.



من بهترین تیم

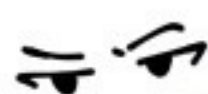
پزشکی دنیا رو پیدا
میکنم تا درمانت کنن، به
هر قیمت که باشه.

داری راجع به
چی حرف می زنی؟؟؟

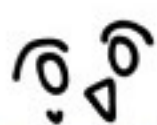


من واقعاً خوبم.

اینقدر درمانش
سخته ؟



هاع؟



خوشحالم
میشنومش.



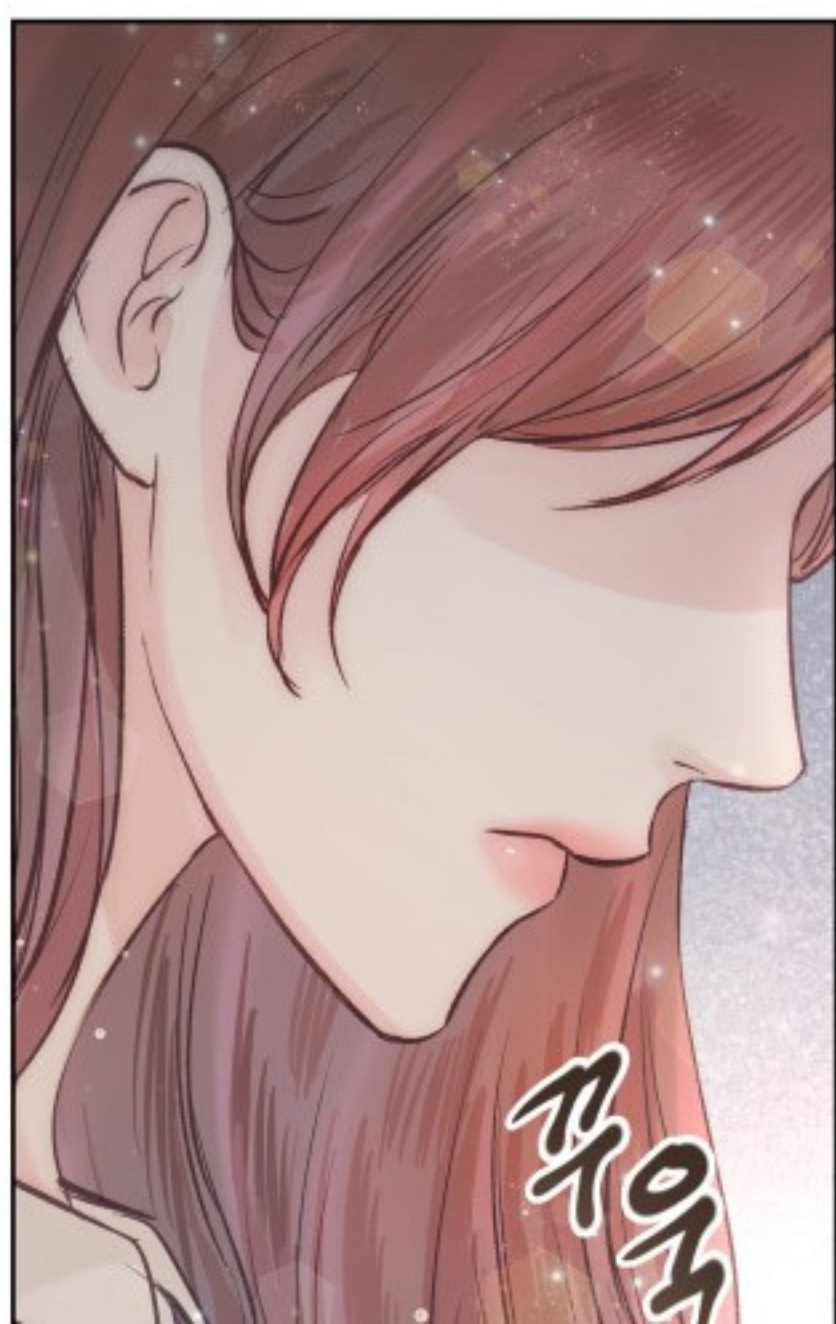
پوکر: شازده اول هاع رو
به نشانه 'چی زدی' حاجی 'گرفته

بله .



چرا امروز اومدی
اینجا؟ حتماً چیزی
برای گفتن داشتی.







باید راستش
رو بگم؟



اگه ارزش اعتماد
کردن رو داره،
بنال فقط.

ولی اون،
اون آدمی هست که
بتونم بهش اعتماد
کنم؟

پاورم داره اصلاً؟



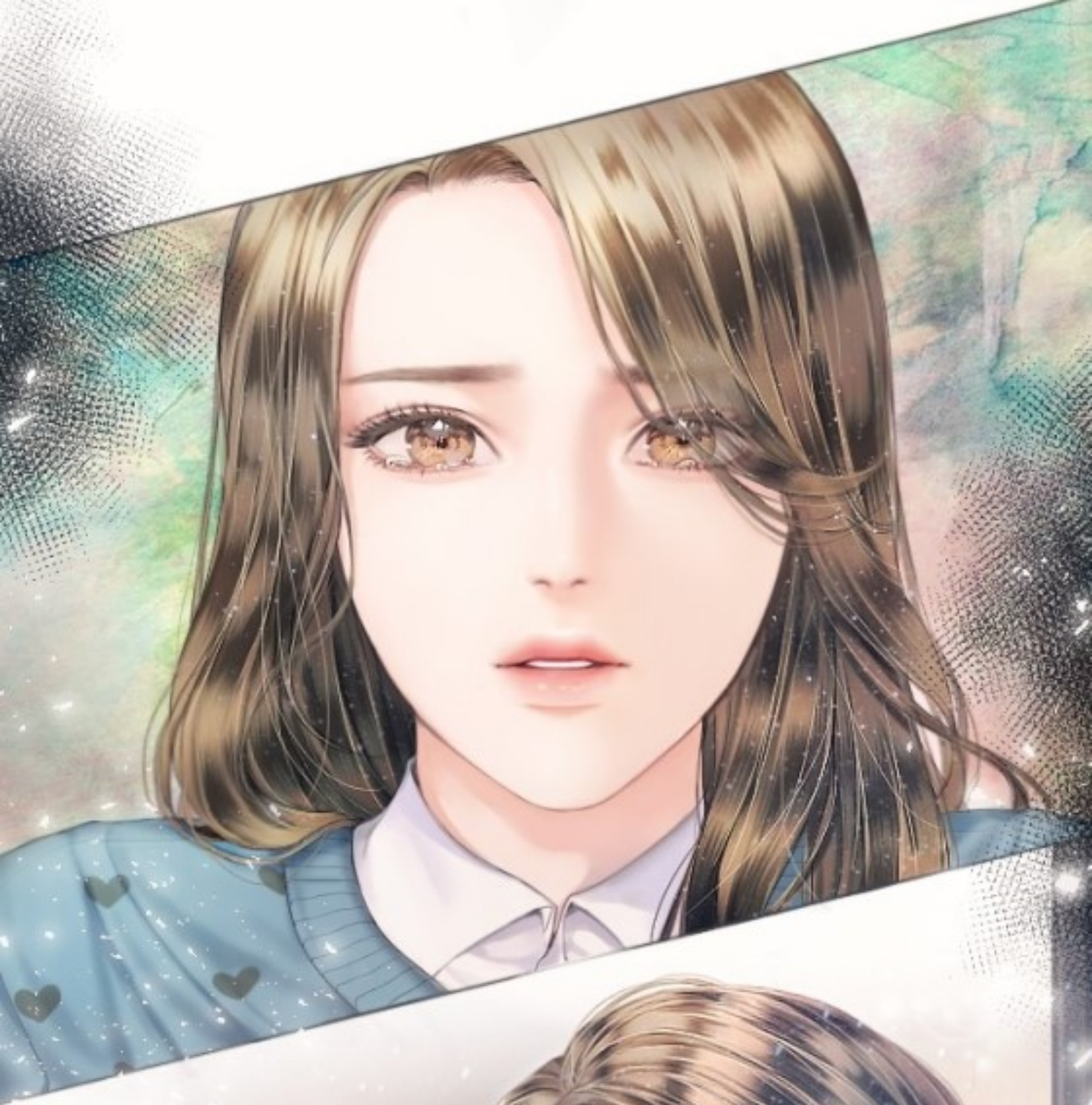
باید به هر حال
که بگمش.

می توئم
انجامش یدم .





سونبه ...



An illustration of a man and a woman standing behind a light-colored wooden table. The man, on the left, has dark hair and is wearing a dark grey cardigan over a light-colored t-shirt. He is looking down at a clear glass of water on the table. The woman, on the right, has long, wavy brown hair and is wearing an orange cardigan over a white dress with a pink bow at the neckline. She is looking directly at the viewer. A speech bubble is positioned to the right of the woman, containing Persian text.

جوین شدن
تو چنل لایک و
کامنت یادت نره